



Common Dimensions of the Intellectual and Practical School of Martyrs Soleimani, Raisi, and Nasrallah in the Intellectual Framework of Ayatollah Khamenei

Nematollah Firoozi

Assistant Professor, Department of Theology and Islamic Studies, Imam Reza International University, Mashhad, Iran (Corresponding author).

firoozi@imamreza.ac.ir

0000-0000-0000-0000

Zahra Khani Zare

Master's degree student in Theology and Islamic Studies, majoring in Quran and Hadith Sciences, Imam Reza International University, Mashhad, Iran.

zahra.khanizar@imamreza.ac.ir

0000-0000-0000-0000

Abstract

A comprehensive and holistic elucidation of the intellectual and practical foundations of paradigmatic figures within any school of thought can render them more tangible and concrete to audiences. Martyrs Qassem Soleimani, Seyyed Ebrahim Raisi, and Seyyed Hassan Nasrallah, as prominent figures of the Resistance Front and the Islamic Revolution, possess not only an operational legacy but also an integrated and convergent intellectual school that stands in a one-to-one correspondence with the intellectual framework of Ayatollah Khamenei. Addressing a gap in comparative studies, this research examines the commonalities among these three martyrs and the manifestation of Ayatollah Khamenei's teachings in their individual and social conduct. The primary objective is to identify the shared features that position these figures as paradigmatic exemplars of the School of Resistance. The significance of this study lies in clarifying the inseparable linkage between the practical conduct of these martyrs and Ayatollah Khamenei's thought—an articulation that can provide a roadmap for future generations in the path of jihad, justice, and guardianship-centered commitment (velayat-madari). The research method is descriptive-analytical. Data were collected and analyzed through content analysis of Ayatollah Khamenei's statements and relevant works concerning these martyrs. The findings demonstrate that, despite apparent differences in their respective domains of activity (political, military, and executive), the personalities studied share foundational principles such as adherence to guardianship (velayat-madari), sincerity, people-centeredness, a spirit of resistance, and managerial creativity. These shared features may serve as a practical model for leaders and activists in the Islamic world and constitute an effective step toward promoting the intellectual and practical school represented by these martyrs.

Keywords: Practical model; Ayatollah Khamenei; Martyr Nasrallah; Martyr Soleimani; Martyr Raisi.



مقاله پژوهشی

وجوه اشتراک مکتب فکری و عملی شهیدان سلیمانی، رئیسی و نصرالله در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای

نعمت الله فیروزی

استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام رضا علیه السلام، مشهد مقدس، ایران (نویسنده مسئول).

firoozi@imamreza.ac.ir

0000-0000-0000-0000

زهرا خانی زارع

دانشجوی کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی گرایش علوم قرآن و حدیث، دانشگاه بین‌المللی امام رضا علیه السلام، مشهد مقدس، ایران.

zahra.khanizar@imamreza.ac.ir

0000-0000-0000-0000

چکیده:

کشف و تبیین جامع‌نگر نسبت به مبانی فکری و عملی الگوها در هر مکتبی می‌تواند آن‌ها را ملموس‌تر و عینی‌تر به مخاطبان معرفی کند. شهیدان قاسم سلیمانی، سید ابراهیم رئیسی و سید حسن نصرالله به‌عنوان چهره‌های شاخص جبهه مقاومت و انقلاب اسلامی، نه تنها در عرصه عمل، بلکه در حوزه اندیشه نیز دارای مکتبی یکپارچه و همسو هستند که در تناظری یک‌به‌یک با منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای قرار دارد. این پژوهش در پاسخ به خلأ مطالعات تطبیقی، به بررسی مشترکات این سه شهید و تجلی آموزه‌های آیت‌الله خامنه‌ای در سیره فردی و اجتماعی آنان می‌پردازد. هدف اصلی، کشف وجوه اشتراکی است که این شخصیت‌ها را به‌عنوان الگوهای مکتب مقاومت معرفی می‌کند. اهمیت این مطالعه در تبیین پیوند ناگسستنی بین سیره عملی این شهیدان و اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای است که می‌تواند نقشه‌ای برای نسل‌های آینده در مسیر جهاد، عدالت و ولایت‌مداری ترسیم کند. روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی است و داده‌های آن از طریق تحلیل محتوای بیانات آیت‌الله خامنه‌ای و آثار مرتبط با این شهیدان گردآوری و تحلیل شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که شخصیت‌های مورد مطالعه، با وجود تفاوت ظاهری در حوزه‌های فعالیت (سیاسی، نظامی و اجرایی)، در اصولی بنیادین مانند ولایت‌مداری، اخلاص، مردمی‌بودن، روحیه مقاومت و خلاقیت در مدیریت اشتراک دارند. این اشتراکات می‌تواند به‌عنوان الگویی کاربردی برای مدیران و مبارزان جهان اسلام مورد استفاده قرار گیرد و گامی مؤثر در جهت ترویج مکتب فکری و عملی این شهیدان محسوب می‌شود.

واژگان اصلی: الگوی عملی، آیت‌الله خامنه‌ای، شهید نصرالله، شهید سلیمانی، شهید رئیسی.

دسترسی به مقالات نشریه علمی مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی (Open Access) است.

نشریه علمی «مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی» تحت مجوز بین‌المللی Creative Commons Attribution 4.0 International CC BY 4.0

Doi: 10.22034/firsj.2025.531349.1147

مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرات مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی نمی‌باشد.

۱. مقدمه

جهان معاصر با چالش‌های متعددی در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی و امنیتی مواجه است که ضرورت ارائه الگوهای فکری و عملی کارآمد را دوجندان کرده است. در این میان، شهیدان قاسم سلیمانی، سید ابراهیم رئیسی و سید حسن نصرالله به‌عنوان چهره‌های برجسته جبهه مقاومت و انقلاب اسلامی، نمونه‌های بارزی از تلفیق اندیشه و عمل در چارچوب مکتب اسلامی به شمار می‌روند. این شخصیت‌ها، با وجود تفاوت در حوزه‌های فعالیت - سیاسی، نظامی و اجرایی - از وجوه اشتراک بنیادینی برخوردارند که ریشه در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای دارد. با این حال، علی‌رغم مطالعات متعدد، همچنان خلأ پژوهش‌های تطبیقی که به تحلیل نظام‌مند مشترکات آنان در چارچوب گفتمان آیت‌الله خامنه‌ای بپردازد، احساس می‌شود.

این پژوهش، با تمرکز بر بیانات آیت‌الله خامنه‌ای و سیره عملی این شهیدان، درصدد پاسخگویی به این پرسش اساسی است که مهم‌ترین اشتراکات فکری و عملی این سه شهید در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای چیست و چگونه می‌توان این مشترکات را به‌عنوان الگویی کاربردی برای نسل‌های آینده ترسیم کرد؟ اهمیت این تحقیق از آنجا ناشی می‌شود که تبیین این وجوه مشترک، نه تنها به درک عمیق‌تر از گفتمان انقلاب اسلامی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند نقشه راهی برای تربیت نیروهای کارآمد در عرصه‌های مختلف مدیریتی و مبارزاتی ارائه دهد. فرضیه اصلی این پژوهش آن است که این شهیدان، با وجود تفاوت‌های ظاهری در حوزه فعالیت، در اصولی چون ولایت‌مداری، اخلاص، مردمی‌بودن، روحیه جهادی و عدالت‌خواهی اشتراکات بنیادین دارند که همگی ریشه در مکتب مقاومت و انقلاب اسلامی دارند.

در زمینه پیشینه پژوهش، باید اشاره کرد که اگرچه مطالعات پراکنده‌ای درباره زندگی و اقدامات هریک از این شهیدان انجام شده، لکن تحقیقی جامع که به تحلیل تطبیقی اندیشه و عمل آنان نسبت با بیانات آیت‌الله خامنه‌ای بپردازد، کمتر مشاهده می‌شود. برخی آثار به نقش شهید سلیمانی در مقاومت منطقه‌ای یا خدمات شهید رئیسی در عدالت‌محوری پرداخته‌اند، اما وجوه مشترک این سه شخصیت در ادبیات علمی مغفول

مانده است، لذا مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر اسناد معتبر، بیانات آیت‌الله خامنه‌ای و عملکرد شهیدان، درصدد پر کردن این خلأ پژوهشی است. یافته‌های این مطالعه می‌تواند به درک بهتر الگوهای عملی انقلاب اسلامی و تبیین مکتب فکری واحد حاکم بر آن، کمک شایانی کند.

۲- روش پژوهش

۲-۱- تحلیل و بررسی روش پژوهش

این پژوهش با اتخاذ رویکردی تحلیلی و با روش کیفی انجام شده است. داده‌های موردنیاز از طریق تحلیل محتوای نظام‌مند بیانات آیت‌الله خامنه‌ای درباره این سه شهید و همچنین بررسی آثار مکتوب و اسناد مرتبط با سیره عملی آنان گردآوری شده است. در فرایند جمع‌آوری داده‌ها، ابتدا کلیه بیانات آیت‌الله خامنه‌ای که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به ویژگی‌های این شهیدان اشاره داشت، استخراج و سپس با استفاده از روش کدگذاری موضوعی، مفاهیم و مضامین اصلی شناسایی شدند. در مرحله تحلیل، این مفاهیم در چارچوب منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای مورد بررسی قرار گرفت و وجوه اشتراک و افتراق آنان استخراج گردید.

برای افزایش اعتبار و پایایی تحقیق، از تکنیک مثلث‌سازی در گردآوری داده‌ها استفاده شده است که شامل بررسی هم‌زمان بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، اسناد و مدارک معتبر درباره زندگی این شهیدان و همچنین تحلیل‌های علمی موجود است. همچنین در فرایند تحلیل داده‌ها، از روش تفسیری بهره گرفته شده که امکان درک عمیق‌تر از ارتباط بین سیره عملی این شهیدان و مبانی فکری آیت‌الله خامنه‌ای را فراهم می‌سازد. محدودیت‌های این تحقیق شامل دسترسی محدود به برخی اسناد اختصاصی درباره این شخصیت‌ها و همچنین نوپا بودن مطالعات تطبیقی در این حوزه است که با بهره‌گیری از منابع معتبر و در دسترس، تلاش شده است این محدودیت‌ها به حداقل برسد.

۳- بحث

۳-۱- مفهوم‌شناسی

در این بخش، چهار مفهوم اصلی پژوهش شامل «مکتب»، «الگو»، «انقلاب اسلامی» و «مقاومت اسلامی» مورد بررسی قرار می‌گیرند. این مفاهیم علاوه بر ارائه چارچوب نظری پژوهش، درکی عمیق‌تر از وجوه اشتراک شهیدان سلیمانی، رئیسی و نصرالله در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای را ممکن می‌سازند.

۳-۱-۱- مکتب

مکتب^۱ در لغت به معنای «جای نوشتن» (از ریشه عربی کَتَبَ) یا محل آموزش است (دهخدا، ۱۳۹۰، ج ۲، ۲۷۹۳) و در اصطلاح به «سبک فکری یا مدرسه علمی» اشاره دارد (معین، ۱۳۸۲). در اصطلاح فلسفی و اجتماعی نیز، به نظامی یکپارچه از اصول نظری و دستورالعمل‌های عملی اطلاق می‌شود که مبتنی بر جهان‌بینی خاصی شکل گرفته است. شهید مطهری با تأکید بر این جنبه، مکتب را «طرحی جامع برای ساماندهی حیات فردی و اجتماعی» می‌داند که هم به پرسش‌های بنیادین هستی‌شناختی پاسخ می‌دهد و هم راهکارهای عملی برای تحقق عدالت و سعادت ارائه می‌کند (مطهری، ۱۳۸۹: ۵۶). این تعریف، مکتب را فراتر از یک نظریه صرف، به‌عنوان «نرم‌افزار اداره جامعه» معرفی می‌نماید. بر اساس دیدگاه علامه طباطبایی نیز، مکاتب به دو دسته الهی و بشری تقسیم می‌شوند: مکاتب الهی مانند اسلام، مبتنی بر وحی و متناسب با فطرت انسان هستند و به گفته ایشان، «دارای انسجام درونی و توانایی پاسخگویی به تمام نیازهای مادی و معنوی بشر» می‌باشند (طباطبایی، ۱۳۷۰، ج ۴، ۱۲).

از سوی دیگر، مکاتب بشری مانند مارکسیسم^۲ یا لیبرالیسم^۳، محصول اندیشه محدود انسان بوده و به دلیل غفلت از بعد معنوی، دچار تناقض‌های عملی هستند. این تمایز در آثار آیت‌الله خامنه‌ای نیز با محوریت «اسلام ناب در مقابل اسلام آمریکایی» بازتاب یافته است. همچنین در نگاه ایشان مکتب، مجموعه‌ای است که در ابتدا به تفسیر انسان و جهان

1. School.

2. Marxism.

3. Liberalism.

می‌پردازد و سپس بایدها و نبایدهای انسانی را مشخص و معین می‌سازد. هم نیاز انسان را به جهان‌بینی مرتفع می‌کند و هم یک نظام ارزشی برای زیستن و چگونگی زیستن ارائه می‌دهد. در واقع مکتب مجموعه جهان‌بینی و ایدئولوژی یک انسان است، چنانکه مکتب امام یک بسته کامل، مجموعه و دارای ابعاد است؛ این ابعاد را باید با هم دید و ملاحظه کرد (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۰/۳/۱۴). به‌طور کلی آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر مفهوم مکتب، به دنبال تبیین و ترویج یک الگوی فکری و عملی برای حرکت در مسیر تحقق اهداف نظام اسلامی و ترویج ارزش‌های والای انسانی هستند.

۳-۱-۲- الگو

الگو^۱ در لغت به معنای مدل، سرمشق، اسوه، مثال و نمونه (دهخدا، ۱۳۹۰، ج ۱، ۲۲۱) است. این مفهوم در ادبیات علمی، به‌عنوان چارچوبی نظری تعریف می‌شود که پایه و معیار حرکت را تشکیل می‌دهد و نقشه‌ای راهبردی برای دستیابی به اهداف مشخص ارائه می‌کند. از منظر روان‌شناسی اجتماعی، الگوها به‌عنوان ابزارهای شناختی عمل می‌کنند که افراد با تکیه بر آن‌ها، رفتارها، تصمیم‌ها و سبک زندگی خود را سامان می‌دهند (بندورا، ۱۹۷۷: ۲۳). برای مثال، نظریه یادگیری اجتماعی^۲ بر اهمیت «الگوبرداری» تأکید می‌کند و معتقد است افراد با مشاهده و تقلید از رفتار الگوهای قابل‌اعتماد، مهارت‌ها و ارزش‌های جدید را می‌آموزند. در حوزه مدیریت و علوم سیاسی نیز، الگوها به‌عنوان ابزارهایی برای طراحی استراتژی‌های عملیاتی مورد استفاده قرار می‌گیرند (دراکر، ۱۹۹۳: ۱۴۵). این چارچوب‌های ذهنی به مدیران کمک می‌کنند تا پیچیدگی‌های محیطی را ساده‌سازی کرده و تصمیم‌های کارآمدتری اتخاذ کنند. همچنین، در مطالعات فرهنگی، الگوها بازتابی از ارزش‌ها و هنجارهای جامعه هستند و می‌توانند به‌عنوان معیاری برای سنجش موفقیت یا شکست یک سیستم اجتماعی عمل کنند (گیدنز، ۲۰۰۱: ۸۷).

از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، الگو به‌عنوان چارچوبی نظری و ذهنی تعریف می‌شود که پایه و معیار حرکت را تشکیل می‌دهد و به‌مثابه نقشه راه جامعی است که نشان می‌دهد به

1. Pattern.

2. Social Learning Theory .

کدام سمت و برای کدام هدف در حال حرکت هستیم (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۹/۹/۱۰). به بیان دیگر، الگو وسیله، معیار و میزانی است برای اینکه آن کاری که انسان می‌خواهد انجام دهد، با آن الگو تطبیق دهد (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۱/۶/۳۰). آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر اهمیت وجود الگو در زندگی سیاسی و اجتماعی خاطرنشان می‌کنند که ما خوشبختانه در محیط زندگی امروز الگوهای برجسته‌ای داریم و دچار فُقد الگو نیستیم که باعث شود سراغ الگوهای بیگانه برویم (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۷/۲/۱۹).

۳-۱-۳- انقلاب اسلامی

انقلاب^۱ در لغت به معنای دگرگونی و تغییر است. اعم از دگرگونی در ساحت اجتماعی یا تحول بنیادین در سایر زمینه‌ها (نوروزی، ۱۳۹۲). در ادبیات علوم انسانی و اجتماعی، مفهوم «انقلاب» از دو منظر مورد بررسی قرار گرفته است. نخست، در معنای خاص سیاسی که به تغییرات بنیادین، سریع و اغلب خشونت‌آمیز در ساختارهای سیاسی، اقتصادی و حقوقی یک جامعه اشاره دارد. این تغییرات معمولاً با مشارکت گسترده توده‌های مردم و جایگزینی کامل یک نظام سیاسی با نظامی دیگر همراه است (هانتینگتون، ۱۹۶۸: ۲۶۴). دوم، در معنای عام که به تحولات تدریجی، اما عمیق و ساختاری در حوزه‌های غیرسیاسی مانند علم، صنعت، فرهنگ و هنر اطلاق می‌گردد (کوهن، ۱۹۸۵: ۴۷). اگرچه این دو کاربرد در ظاهر متمایز به نظر می‌رسند، اما در سطح مفهومی از وجوه اشتراک برخوردارند. مهم‌ترین این اشتراکات، ماهیت تحول‌آفرین، ریشه‌ای و ساختارشکنانه آن‌هاست که منجر به دگرگونی پارادایم‌های مسلط در حوزه مربوطه می‌شود (اسکاچپول، ۱۹۷۹: ۳۳). در این پژوهش، با تأکید بر تعریف نخست، انقلاب به‌عنوان پدیده‌ای سیاسی-اجتماعی مورد توجه قرار گرفته و سایر معانی و کاربردهای این مفهوم خارج از حوزه بررسی حاضر خواهد بود.

آیت‌الله خامنه‌ای در بیانی، انقلاب را معادل تحولی ریشه‌ای در همه نهادهای اصلی زندگی جامعه می‌داند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۱/۱۱/۱۵). همچنین ایشان در بیانی دیگر، انقلاب اسلامی را چنین توصیف می‌کنند:

^۱. Revolution.

«انقلاب اسلامی یک تحول بنیادین بر اساس یک سلسله ارزش‌هاست و یک حرکت به جلو محسوب می‌شود. آنچه در کشور ما واقع شد، انقلاب اسلامی است که تحول عظیمی در ارکان سیاسی و اقتصادی و فرهنگی جامعه و یک حرکت به جلو و یک اقدام به سمت پیشرفت این کشور و این ملت بود» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۷۹/۲/۲۳).

۳-۱-۴- مقاومت اسلامی^۱

مقاومت^۲ از ریشه «قوم» و «قیام» و به معنای ایستادگی، پایداری و ثبات است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۳: ۶۹۰ و دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۲، ۲۷۸۲). مقاومت اسلامی به‌عنوان یک مفهوم چندبعدی، در برابر سلطه‌گری و ظلم شکل می‌گیرد و تنها محدود به بعد نظامی نیست، بلکه ابعاد فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را نیز در برمی‌گیرد (مهدی‌پور، ۱۳۹۸). این مفهوم در گفتمان انقلاب اسلامی ایران با محوریت «اسلام ناب محمدی» تبیین شده و به‌عنوان راهبردی برای مقابله با نظام سلطه جهانی مطرح می‌شود (صالح اصفهانی و همکاران، ۱۳۹۹).

از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، مفهوم مقاومت به معنای اتخاذ مسیری مبتنی بر تشخیص حقانیت و صحت راهبردهای انتخابی است، به‌گونه‌ای که فرد یا جامعه با التزام به این مسیر، در مواجهه با موانع و چالش‌های پیش‌رو، استمرار و پایداری نشان داده و از توقف یا انحراف از مسیر اصلی بازماند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۸/۰۳/۱۴). از سوی دیگر، به معنای پایداری در مسیر حق، بدون تأثیرپذیری از تهدیدها و تطمیع‌های دشمن است. ایشان با اشاره به الگوی امام خمینی (ره) تأکید می‌کنند که مقاومت تنها یک تاکتیک موقت نیست، بلکه یک اصل استراتژیک است که ریشه در ایمان و استواری بر مواضع حق دارد؛ بنابراین با تکیه بر این اصل، هم در دوران مبارزه و هم پس از انقلاب، در برابر فشارهای داخلی و خارجی ایستادگی کرد و ملت ایران را به ملتی مقاوم تبدیل نمود (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۸/۰۳/۱۴). این ویژگی، امروز به‌عنوان یک الگوی جهانی در ادبیات سیاسی مطرح شده است.

^۱. Islamic Resistance.

^۲. Resistance.

۳-۲- پیشینه پژوهش

مطالعه سیر پژوهش‌های مرتبط با موضوع مکتب فکری و عملی شهیدان سلیمانی، رئیسی و نصرالله نشان می‌دهد که اگرچه هریک از این چهره‌ها به صورت مستقل مورد توجه محققان قرار گرفته‌اند، لکن پژوهش‌های تطبیقی درباره وجوه اشتراک آنان در چارچوب منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای، بسیار محدود و پراکنده است. در سطح کتب، «شهید جمهور؛ شهید رئیسی در نگاه آیت‌الله خامنه‌ای» (نشر جمهور ایران، ۱۴۰۳)، «زندگی به سبک شهید نصرالله، ۱۴۰۳» و «سیره مدیریتی و رفتاری شهید حاج قاسم سلیمانی» (نشر زمزم هدایت وابسته به پژوهشکده علوم اسلامی امام صادق علیه‌السلام، ۱۴۰۱)، بیشتر به الزامات حاکم بر عرصه فعالیت، دستاوردها، جنبه‌های فردی و اقدامات اجرایی شهیدان پرداخته‌اند، اما تحلیل مقایسه‌ای با دیگر شهیدان را شامل نمی‌شود.

در حوزه مقالات علمی، پژوهش‌هایی مانند «مؤلفه‌های مدیر تراز آینده انقلاب اسلامی بر اساس سیره مدیریتی شهید رئیسی در منظومه بیانات آیت‌الله خامنه‌ای» (مجله آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی، ۱۴۰۳) گرچه در چارچوب منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای انجام شده است، اما تمرکز آن صرفاً بر این شهید بزرگوار بوده و به مقایسه یا تحلیل سیره دیگر شهدای مدنظر نپرداخته است.

مقاله «تبیین الگوی مدیریتی شهید سلیمانی در جبهه مقاومت (یک مطالعه سنتزپژوهی)» (فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی، ۱۴۰۱)، «سبک زندگی جهادی در سیره شهید سلیمانی» (مجله فرهنگ جهاد، ۱۴۰۰) و «مکتب سردار سلیمانی در نگاه شخصیت‌های برجسته جبهه مقاومت (ایران، لبنان، یمن، فلسطین، سوریه و عراق)» (فصلنامه مطالعات دینی رسانه، ۱۳۹۹) و «مبانی و مؤلفه‌های فرماندهی و مدیریت سپهد قاسم سلیمانی در منظومه فکری سید حسن نصرالله و تأثیر آن بر محور مقاومت» (همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب اسلامی، ۱۳۹۹) به بررسی ابعاد نظری و عملی این شهیدان پرداخته‌اند، اما اغلب محدود به یک شخصیت خاص بوده و از بررسی اشتراکات کلیدی آنان در نسبت با گفتمان آیت‌الله خامنه‌ای غفلت کرده‌اند.

در سطح پایان‌نامه‌ها و تحقیقات دانشگاهی، می‌توان به آثاری مانند «ترسیم الگوی رفتاری شهید رئیسی با تطبیق بر قرآن کریم و نهج البلاغه» (دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم بجنورد، ۱۴۰۳) اشاره کرد که تنها شخصیت شهید رئیسی را مورد بررسی قرار داده است. برخی پایان‌نامه‌های دیگر نیز مانند «عدالت‌خواهی در سیره سیاسی شهید رئیسی» (دانشگاه معارف، ۱۴۰۱) صرفاً بر یک بعد از ابعاد شخصیتی این شهید متمرکز شده‌اند، بدون آنکه پیوند آن را با مکتب فکری آیت‌الله خامنه‌ای و دیگر شهیدان مقاومت تبیین کنند؛ همچنین، «تحلیل گفتمان مقاومت در بیانات شهید نصرالله و سلیمانی» (دانشگاه تهران، ۱۳۹۹) رویکردی مقایسه‌ای داشته، اما شهید رئیسی را به دلیل تفاوت حوزه مبارزه، از دایره پژوهش خارج کرده است.

نقطه قوت پژوهش‌های پیشین، توجه به سیره عملی و اندیشه‌های فردی این شهیدان است. بسیاری از این تحقیقات، یا به مقایسه دو شهید بسنده کرده‌اند و یا به‌جای استفاده از بیانات آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان چارچوب نظری، صرفاً به توصیف اقدامات شهیدان پرداخته‌اند. این در حالی است که مقاله حاضر با تمرکز بر «مبانی مشترک مکتب فکری و عملی» در سیره این سه شهید و بنیادهای آن در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، درصدد پر کردن این خلأ پژوهشی است.

۳-۳- تحلیل وجوه اشتراک سه شهید

۳-۳-۱- تبیین سیره شهیدان به‌مثابه مکتب و الگو

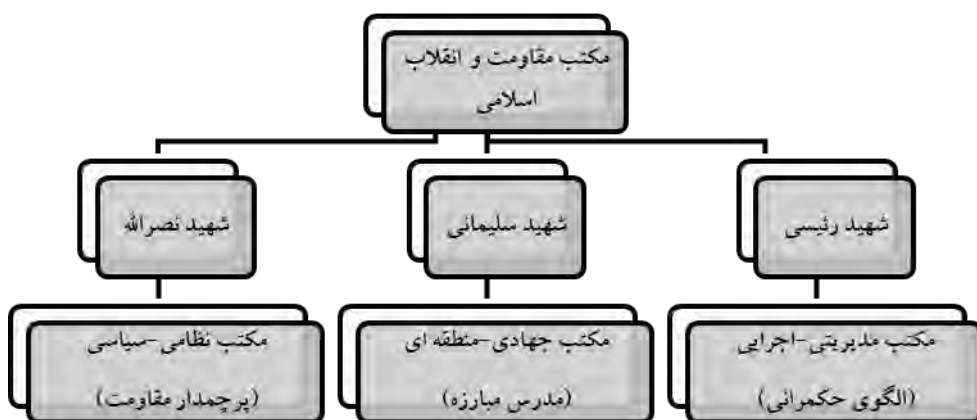
در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای، تأکید بر «مکتب» و «الگو» به‌عنوان دو عنصر اساسی در پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی، جایگاهی ویژه دارد. ایشان بارها بر لزوم معرفی الگوهای عملی و تبیین مکاتب فکری که می‌توانند الهام‌بخش و راهنمای عمل برای نسل‌های آینده باشند، تأکید کرده‌اند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳/۱۰/۱۳۹۸). از این منظر، شهیدان نصرالله، سلیمانی و رئیسی نه تنها به‌عنوان شخصیت‌های برجسته و تأثیرگذار بلکه به‌عنوان مکتب و الگو قابل بررسی و تبیین هستند.

آیت‌الله خامنه‌ای در تحلیل جایگاه شهید سلیمانی با صراحت بیان می‌فرماید: «سردار شهید عزیز را با چشم یک مکتب، یک راه، یک مدرسه درس‌آموز نگاه کنیم» (خامنه‌ای،

بیانات: ۱۳۹۸/۱۰/۲۷). همچنین ایشان در تبیین چگونگی الگو گرفتن از شهید سلیمانی تأکید دارند مکتب سلیمانی همان مکتب اسلام و قرآن است که او به این مکتب پایبند بود و چنانچه ما هم دارای همان ایمان و عمل صالح باشیم، سلیمانی می‌شویم (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۳/۱۰/۱۲). این نگاه فراشخصیتی، کلید فهم مشترکات این سه شهید است. در همین راستا، شهید رئیسی نیز از منظر آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان الگویی جامع برای مدیریت نظام اسلامی معرفی شده است: «کسی که رئیس قوه مجریه یک کشور است، می‌تواند مجموعه این خصوصیات عملی و فکری و قلبی را با همدیگر داشته باشد و دنبال کند.» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۳/۴/۱۷). لذا نشان می‌دهد که شهید رئیسی نیز به‌عنوان نماینده‌ای از یک مکتب فکری-عملی در عرصه مدیریت اجرایی کشور ظاهر شده است. از سویی شهید نصرالله نیز در کلام آیت‌الله خامنه‌ای به همین صورت موردتوجه قرار گرفته است: «سید مقاومت، یک شخص نبود، یک راه و یک مکتب بود.» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۳/۷/۷) که به‌وضوح نشان می‌دهد شهید سید حسن نصرالله نیز در قاموس فکری آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان تجسم عینی یک مکتب تلقی می‌شود.

تحلیل بیانات آیت‌الله خامنه‌ای نشان می‌دهد که سه شهید مذکور در عین داشتن حوزه‌های فعالیت متفاوت (نظامی، اجرایی و سیاسی)، همگی در چارچوب یک مکتب واحد عمل می‌کرده‌اند. مکتبی که ویژگی‌های اصلی آن عبارت‌اند از: ۱. تعلق همه جانبه به اسلام ناب و مکتب امام خمینی (ره)؛ ۲. رویکرد جامع به تمام ابعاد فردی و اجتماعی؛ ۳. قابلیت الگودهی به نسل‌های بعدی؛ ۴. برخوردار از پشتوانه نظری مستحکم در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای.

نگاه مکتبی به شخصیت این شهیدان، از آن‌رو اهمیت دارد که به ما می‌آموزد چگونه می‌توان از زندگی آنان به‌عنوان الگویی زنده و قابل تکثیر در شرایط مختلف بهره برد، لذا بیانات ایشان به‌خوبی نشان می‌دهد که این مکتب، محدود به شخص این شهیدان نبوده و قابلیت تعمیم به تمام مخلصان راه انقلاب اسلامی را دارد.



شکل ۱: مکتب مقاومت و انقلاب اسلامی شهید رئیسی، شهید سلیمانی و شهید نصرالله

۳-۲-۳-۲-۲-۲ مردمی بودن

مردمی بودن به‌عنوان یکی از وجوه بارز شخصیت سه شهید، در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای مورد تأکید ویژه قرار گرفته است. تحلیل سیره عملی شهیدان نشان می‌دهد که ارتباط عمیق با توده‌های مردم، محور اصلی اقدامات آنان بوده و این ویژگی ریشه در مبانی فکری نظام اسلامی دارد. شهید سلیمانی با ایفای نقش بی‌بدیل در تقویت جبهه مقاومت، نه تنها در عرصه نظامی، بلکه در جلب اعتماد و محبت مردم جایگاه ممتازی یافت. تشیع پیکر مطهر وی که با حضور میلیونی مردم در سراسر کشور همراه بود، نمادی از این پیوند ناگسستنی محسوب می‌شود. آیت‌الله خامنه‌ای در تحلیل این پدیده تصریح می‌کنند: «این حرکت فراتر از یک واکنش عاطفی بود؛ نشان‌دهنده ایمان مردم به ارزش‌های جهادی و اعتقاد راسخ آنان به مکتب مقاومت بود» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۹/۴/۲۲). همچنین ایشان مردمی بودن شهید سلیمانی را محصول اخلاص عمیق او می‌دانند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۸/۱۰/۱۳).

از سوی دیگر، شهید رئیسی به‌عنوان الگویی از مردمی بودن در ساحت مدیریت اجرایی و تعامل بی‌واسطه با آحاد جامعه متجلی شد. او خودش را از دیگران برتر نمی‌دانست و در ردیف مردم، مثل مردم و در مواردی کوچک‌تر از مردم به حساب می‌آورد. همه توان و

نیرویش در خدمت مردم و برای خدمت به بندگان خدا بود (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۴/۲/۳۰). سفرهای استانی پیگیرانه و حضور مستقیم در مناطق محروم، از شاخص‌ترین ویژگی‌های عملکرد وی بود. آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به ۳۱ سفر استانی در ۱۱ ماه ابتدایی دولت، این اقدام را «حادثه‌ای درخشان» توصیف می‌کنند که «همدلی صادقانه با مردم و نظارت میدانی بر مسائل آنان را به نمایش گذاشت» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۱/۶/۸). این رویکرد که مبتنی بر آموزه‌های امیرالمؤمنین علیه‌السلام در فرمان تاریخی به مالک اشتر بود، حل مشکلات مردم را به محور برنامه‌ریزی‌های اجرایی تبدیل کرد.

آیت‌الله خامنه‌ای با استناد به حدیث «أَجْمَعُهَا لِرِضَى الرَّعِيَّةِ^۱» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)، مردمی‌بودن شهید رئیسی را الگویی برای مسئولان برمی‌شمارند که در آن «حضور در میان مردم، شنیدن بی‌واسطه دردهای آنان و تبدیل نیازهایشان به اولویت‌های حکومتی» جایگاه محوری داشت (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۳/۴/۱۷). شهید نصرالله نیز به‌عنوان پرچم‌دار مقاومت مردمی در منطقه، با ایجاد پیوندی ناگسستنی بین جهاد و خواست توده‌ها، الگویی از مردمی‌بودن در عرصه مبارزه را ارائه داد. آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر اینکه «مردم لبنان، حزب‌الله را بخشی از هویت خود می‌دانند» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۳/۷/۷). نشان می‌دهند که محبوبیت وی ریشه در همخوانی اقداماتش با آرمان‌های اصیل مردمی داشت.

اشتراک این سه شهید در مردمی‌بودن، در چارچوب گفتمان آیت‌الله خامنه‌ای، فراتر از یک رفتار فردی، به‌عنوان تجلی «مکتب مقاومت» قابل تحلیل است. ایشان با استناد به آیات قرآن کریم مانند «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ» (حج: ۴۰)، مردمی‌بودن را نه یک تاکتیک موقت، بلکه بخشی از ایمان به وعده الهی می‌دانند که در سیره عملی این شهیدان به منصفه ظهور رسید. این نگاه نظام‌مند، مردمی‌بودن را به عنصری تبدیل می‌کند که هم در عرصه نظامی (شهید سلیمانی)، هم در مدیریت اجرایی (شهید رئیسی) و هم در مبارزه منطقه‌ای (شهید نصرالله) قابلیت تکثیر و الگوسازی دارد.

^۱ «گسترده‌ترین در جلب خشنودی مردم».

خدا کار کنیم (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳/۱۰/۱۳۹۸). این نگاه، اخلاص را از سطح یک فضیلت فردی به مکتبی اجتماعی ارتقا می‌دهد.

همچنین در تحلیل شخصیت شهید رئیسی، آیت‌الله خامنه‌ای بر همین محور اخلاص تأکید می‌ورزند: «رئسی عزیز خستگی نمی‌شناخت... خدمتگزار صمیمی و مخلص بود که رضایت الهی را بر همه چیز ترجیح می‌داد» (خامنه‌ای، بیانات: ۳۱/۰۲/۱۴۰۳). ایشان در جای دیگری تصریح می‌کنند که شهید رئیسی «به معنای واقعی کلمه بادل و جان و با اعتقاد حرکت می‌کرد» (خامنه‌ای، بیانات: ۰۵/۰۴/۱۴۰۳) که این خود تجلی دیگری از همان مکتب اخلاص است.

شهید نصرالله نیز با ترجیح مصالح امت اسلامی بر منافع شخصی و پذیرش دشواری‌های جهاد، تجلی‌بخش اخلاص عمیق بود. ایشان در اوج مسئولیت‌پذیری، نه تنها به دنبال شهرت نبود، بلکه حتی در لحظه شهادت نیز مشغول طراحی دفاع از مظلومان بود. این ویژگی در عبارت «پاداش ده‌ها سال جهاد فی سبیل الله» و «حق مسلم او» به‌وضوح دیده می‌شود که نشان‌دهنده نیت خالصانه او در خدمت به اسلام است (خامنه‌ای، بیانات: ۷/۷/۱۴۰۳).

وجه اشتراک این شهیدان در «عمل خالصانه برای خدا» از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، به‌گونه‌ای است که می‌توان آن را هسته مرکزی مکتب عملی این شخصیت‌ها دانست. همان‌گونه که ایشان در تحلیل آثار اخلاص اشاره می‌فرمایند که هر جا اخلاص بود، خدای متعال به اخلاص بندگان مخلصش برکت می‌دهد... نتیجه آن اخلاص، همین عشق و وفاداری مردم است (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳/۱۰/۱۳۹۸).

تحلیل مذکور نشان می‌دهد که از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، اخلاص به‌عنوان محوری‌ترین وجه اشتراک این شهیدان، نه یک ویژگی شخصی صرف، بلکه مکتبی عملی است که هم در عرصه نظامی و هم در حوزه سیاسی و مدیریت اجرایی، قابلیت تحقق و الگوسازی دارد. این نگاه، اخلاص را از حیطه فردی به سطح یک گفتمان مکتبی ارتقا می‌دهد که می‌تواند مبنای عمل برای نسل‌های آینده انقلاب اسلامی قرار گیرد.

جدول ۲: تجلی اخلاص در مکتب شهید رئیسی، شهید سلیمانی و شهید نصرالله

تجلی اخلاص در مکتب سه شهید			
معیار	شهید سلیمانی	شهید رئیسی	شهید نصرالله
عرصه فعالیت	نظامی و منطقه‌ای	مدیریت اجرایی	سیاسی-مردمی
نماد اخلاص	جنگ برای خدا	خدمت برای خدا	جهاد برای امت اسلامی
تأثیر اجتماعی	قیامتی به پا کرد	جایگاه مقدس خادم الرضایی	وفاداری به آرمان‌های مقاومت
نقل قول آیت‌الله خامنه‌ای	«دل‌ها به او متوجه شد»	«با دل و جان حرکت می‌کرد»	«پاداش ده‌ها سال جهاد»

۳-۳-۴- خدامحوری و معنویت‌گرایی

یکی از وجوه بارز در بررسی مشترکات فکری و عملی شهیدان نصرالله، سلیمانی و رئیسی، خدامحوری و معنویت‌گرایی است که در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای به صورت ویژه مورد تأکید قرار گرفته است. این شهیدان، به‌رغم تفاوت در حوزه‌های فعالیت، همگی در التزام به ارزش‌های معنوی و ارتباط عمیق با مفاهیم الهی اشتراک داشتند. شهید سلیمانی، به‌عنوان نماد ارزش‌های فرهنگی و معنوی ایران اسلامی، تجسم‌بخش روحیه فداکاری و نوع‌دوستی بود، لذا برای او «این ملت و آن ملت مطرح نبود» و با اخلاص و آخرت‌جویی، مکارم اخلاق را در عمل به نمایش گذاشت (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۹/۹/۲۶). این ویژگی‌ها نشان‌دهنده آن است که او فراتر از یک فرمانده نظامی، به‌عنوان الگویی معنوی شناخته می‌شود.

شهید رئیسی نیز در عرصه مدیریت اجرایی، خدامحوری را به صورت عملی پیاده کرد. آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به ویژگی‌های اخلاقی او، تأکید می‌کنند که شهید رئیسی «اهل ذکر، توسل، دعا و گریه بود و قلباً با عالم غیب مرتبط بود» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۳/۴/۱۷). این ارتباط معنوی، نه تنها در زندگی شخصی، بلکه در شیوه مدیریت و خدمت‌رسانی او نیز مشهود بود. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در پیام تسلیت شهادت شهید رئیسی، از وی با عنوان «خادم‌الرضا علیه‌السلام» یاد کردند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۳/۲/۳۱).

که نشان‌دهنده جایگاه رفیع معنوی شهید در منظومه فکری ایشان است. همچنین اساس ورود شهید رئیسی به عرصه‌های مختلف اجرایی و مدیریتی را تکلیف شرعی می‌دانند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۴/۲/۳۰).

شهید نصرالله نیز به‌عنوان پرچم‌دار مقاومت در لبنان، معنویت را با مبارزه عملی درهم آمیخت. آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به تشکیلات حزب‌الله که به برکت «شجاعت، درایت و توکل» شهید نصرالله شکل گرفت، تأکید می‌کنند که این تشکیلات به‌رغم تمامی تهدیدات دشمن، استوار باقی مانده است (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۳/۸/۱۷). این استواری، ریشه در معنویت و اتکای به قدرت الهی داشت که شهید نصرالله آن را در سراسر زندگی خود نمایندگی می‌کرد. تحلیل بیانات آیت‌الله خامنه‌ای نشان می‌دهد که خدامحوری و معنویت‌گرایی در سیره این سه شهید، نه‌تنها به‌عنوان یک ویژگی فردی، بلکه به‌عنوان بخشی از مکتب مقاومت تبلور یافته است. این شهیدان با تکیه بر ایمان و ارتباط با عالم غیب، توانستند در عرصه‌های مختلف-اعم از نظامی، اجرایی و سیاسی-الگوهایی بی‌بدیل ارائه دهند و این معنویت عمیق بود که به اقدامات آنان مشروعیت و قوت بخشید و آن‌ها را به چهره‌هایی ماندگار در تاریخ انقلاب اسلامی تبدیل کرد.



شکل ۲: خدامحوری در شهید رئیسی، شهید سلیمانی و شهید نصرالله

۳-۳-۵- نگاه جهادی در انجام وظایف

یکی دیگر از وجوه بارز اشتراک شهیدان، نگاه جهادی و خستگی ناپذیری آنان در انجام وظایف بود که در بیانات آیت الله خامنه‌ای به صورت ویژه مورد تأکید قرار گرفته است. این ویژگی، فراتر از یک صفت فردی، به عنوان بخشی از مکتب مقاومت و انقلاب اسلامی قابل تحلیل است.

شهید سلیمانی به رغم سن بالای خود، همواره با روحیه‌ای جوانانه و پرتحرک در عرصه‌های مختلف حضور فعال داشت. آیت الله خامنه‌ای در این باره تصریح می‌فرماید: «سن شهید سلیمانی حدود شصت سال بود، اما دیدید در کوه و دشت و بیابان و همه جا چطور مثل جوان‌ها حرکت می‌کرد و از هیچ چیز نمی‌ترسید» (خامنه‌ای، بیانات:

۱۹/۱۰/۱۳۹۹). ایشان همچنین تأکید می‌کنند که شهید سلیمانی در ۲۴ ساعت به‌اندازه‌ای تلاش و تحرک داشت که توصیف آن موجب حیرت می‌شد، لذا این خستگی‌ناپذیری و روحیه جهادی، او را به الگویی بی‌بدیل در عرصه نظامی و منطقه‌ای تبدیل کرد.

در عرصه مدیریت اجرایی نیز شهید رئیسی با همان نگاه جهادی به ایفای نقش پرداخت. شهید رئیسی، یکسره در حال کار بود. شب و روز نداشت و خستگی نمی‌شناخت. دغدغه همیشگی او انجام‌وظیفه بود و سنگینی بار مسئولیت را احساس می‌کرد (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۴/۲/۳۰). آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به عملکرد ایشان در قوه قضائیه، حرکت او را مصداق بارز «حرکت جهادی» می‌داند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۰/۴/۷) که این رویکرد نه تنها به بهبود عملکرد قوه قضائیه انجامید، بلکه امید مردم به این نهاد را نیز احیا کرد. ایشان همچنین در تحلیل نقش شهید رئیسی در دولت، به همین ویژگی اشاره می‌فرمایند: «تلاش خیلی خوب و متراکم دارد انجام می‌گیرد؛ حقاً و انصافاً انسان این را می‌بیند و به معنای واقعی کلمه دارد کار می‌شود» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۳/۱/۱۵). این گزاره‌ها نشان‌دهنده آن است که شهید رئیسی با همان روحیه جهادی که در قوه قضائیه داشت، در عرصه اجرایی نیز به ایفای نقش پرداخت.

همچنین مجاهدت شهید نصرالله «چندبعدی» و «بی‌وقفه» بود؛ از «میدان نظامی» تا «طراحی راهبردهای سیاسی». به بیان آیت‌الله خامنه‌ای «ده‌ها سال تدبیر و جهاد» و «دفاع از مردم ستمدیده فلسطین و لبنان»، نشان می‌دهد که او تا آخرین لحظه «مسئولیت‌پذیر» و «فعال» باقی ماند. حتی شهادت او در حالی رخ داد که مشغول «خدمت به مردم بی‌پناه» بود که این خود اوج مجاهدت عملی است (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۳/۷/۷).

اشتراک این شهیدان در نگاه جهادی، ریشه در مبانی فکری مشترکی دارد که آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان چارچوب نظری به آن اشاره کرده‌اند. از منظر ایشان، جهاد تنها به عرصه نظامی محدود نمی‌شود، بلکه در تمام حوزه‌های مدیریتی، اجرایی و اجتماعی نیز قابل‌تعمیم است و این نگرش، الگویی جامع برای نسل‌های آینده انقلاب اسلامی ارائه می‌دهد که می‌تواند در شرایط مختلف به کار گرفته شود.

۳-۳-۶- جوان‌گرایی

بررسی سیره عملی شهیدان در چارچوب منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای نشان می‌دهد که جوان‌گرایی به‌عنوان یکی از ارکان مکتب مقاومت، نقشی محوری در اندیشه و عمل این شخصیت‌ها ایفا کرده است. شهید سلیمانی و شهید نصرالله با به‌کارگیری ظرفیت جوانان مؤمن، نه تنها امنیت ایران و لبنان را تقویت کردند، بلکه الگویی برای جبهه مقاومت در سطح منطقه ارائه دادند: «میهن عزیز ما یک بخش مهمی از امنیتش محصول کار همین جوانان مؤمنی است که در زیر فرماندهی سردار شهید سلیمانی عزیزمان سال‌ها کار کردند» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۸/۱۰/۲۷).

این رویکرد تنها محدود به عرصه نظامی نبود، بلکه او با سازمان‌دهی جوانان در کشورهای مختلف، از ظرفیت‌های بومی برای تقویت جبهه مقاومت بهره برد. ایشان با تربیت نسل جدیدی از مبارزان، توانست روحیه امید و اعتمادبه‌نفس را در میان جوانان منطقه زنده نگه دارد، به‌گونه‌ای که آیت‌الله خامنه‌ای ایشان را «نماد امید و استقامت و پیروزی برای جوانان» معرفی می‌کنند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۰/۱۰/۱۱).

در عرصه مدیریت اجرایی نیز شهید رئیسی با تکیه بر جوان‌گرایی، الگویی منحصربه‌فرد از اعتماد به نسل جوان ارائه داد. آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به این ویژگی تصریح می‌کنند: «به جوان‌ها اعتماد می‌کرد و جوان‌ها را تکریم می‌کرد» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۳/۳/۱۴). این نگرش، نشان‌دهنده باور عمیق شهید به توانمندی‌های نسل جوان در پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی بود.

با تحلیل بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در پیام شهادت شهید نصرالله این‌طور استنباط می‌شود که این شهید با «تبدیل حزب‌الله به نهادی پایدار» و «هدایت جبهه مقاومت»، مسیری را برای نسل جوان ترسیم کرد که «تداوم راه مقاومت» را تضمین می‌کند. همچنین «اساسی که او پایه‌گذاری کرد» و «راهی که ادامه خواهد یافت» نشان می‌دهد که شهید نصرالله به‌جای شخص محوری، به «ساختارسازی برای آینده» توجه داشت. این رویکرد، الگویی برای تربیت نیروهای جوان در مسیر جهاد است (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۳/۷/۷).

اشتراک این سه شهید در جوان‌گرایی، ریشه در مبانی فکری مشترکی دارد که آیت‌الله خامنه‌ای به آن اشاره کرده‌اند. از منظر ایشان، جوانان به‌عنوان سرمایه‌های انسانی نظام اسلامی، توانایی تحقق آرمان‌های بزرگ را دارند، مشروط بر آنکه در مسیر صحیح هدایت شوند. این دیدگاه، نه تنها در عرصه‌های نظامی و مدیریتی، بلکه در تمام حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی قابلیت اجرایی دارد. به‌عبارت‌دیگر، جوان‌گرایی در سیره این شهیدان، صرفاً یک راهبرد موقت نبود، بلکه بخشی از مکتب مقاومت محسوب می‌شد که به‌صورت نظام‌مند پیگیری می‌گردید.

پیامدهای نظری و عملی این رویکرد را می‌توان در تقویت گفتمان مقاومت در سطح منطقه و همچنین تربیت نسل جدیدی از جوانان انقلابی مشاهده کرد. همان‌گونه که آیت‌الله خامنه‌ای اشاره فرموده‌اند، شهید سلیمانی با تبدیل شدن به یک الگو، «نرم‌افزار مقاومت را به ملت‌ها تعلیم داد» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۹/۰۹/۲۶). این ویژگی، نشان‌دهنده تأثیر ماندگار جوان‌گرایی در سیره این شهیدان است.

۳-۳-۷- روحیه مقاومت فعال و استکبارستیزی

آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر ماهیت مکتبی مقاومت، آن را نه صرفاً یک راهبرد سیاسی، بلکه «یک ایمان، یک تفکر و یک تصمیم قلبی قطعی» معرفی می‌کند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۳/۹/۲۱). این نگرش عمیقاً ریشه در منظومه فکری ایشان دارد که مقاومت را به‌عنوان «مکتب اعتقادی» و میراث امام خمینی (ره) می‌شناسد، لذا ایشان در تحلیل تاریخی خود تصریح می‌کنند که آنچه امام را به‌عنوان یک مکتب مطرح کرد، خصوصیت ایستادگی و عدم تسلیم در مقابل موانع بود (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۸/۳/۱۴). این دیدگاه، مقاومت را فراتر از یک تاکتیک، به‌عنوان «منطق مقابله با طواغیت و قدرت‌های مادی» تعریف می‌کند. در این چارچوب، هر سه شهید والامقام به‌عنوان مجریان این مکتب ظاهر شدند. شهید نصرالله که از سوی آیت‌الله خامنه‌ای «پرچم‌دار مقاومت در منطقه» خوانده شد (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۳/۷/۷)، تجسم عینی مقاومت نظامی در برابر صهیونیسم بود، لذا با اشاره به نقش محوری وی در حزب‌الله لبنان تأکید می‌کنند که «اساس مقاومتی که او پایه‌گذاری کرد، به برکت خورش استحکام بیشتری یافت» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۳/۷/۷).

شهید سلیمانی نیز از منظر آیت‌الله خامنه‌ای «چهره بین‌المللی مقاومت» بود که نرم‌افزار مبارزه را به ملت‌ها تعلیم داد (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۹/۹/۲۶). ایشان تصریح می‌کنند که او با احیای مقاومت در منطقه، روح تازه‌ای در کالبد جبهه حق دمید (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۰/۱۰/۱۱). این توصیفات نشان‌دهنده نقش محوری در تبدیل مقاومت از مفهوم به گفتمان مسلط منطقه‌ای است. شهید رئیسی نیز اگرچه در عرصه متفاوتی فعالیت می‌کرد، اما از منظر آیت‌الله خامنه‌ای همان منطق مقاومت را در حوزه اقتصاد و مدیریت اجرایی پیاده می‌کرد. ایشان با اشاره به «صراحت رئیسی در مرزبندی با دشمنان» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۳/۳/۱۴)، او را الگویی از مقاومت اقتصادی در برابر تحریم‌ها معرفی می‌کنند. همچنین شهید رئیسی در اولین مصاحبه، صریح و بدون هیچ ابهامی در پاسخ به سؤال خبرنگار که آیا شما با آمریکا مذاکره می‌کنید؟ گفت: خیر و نکرد (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۴/۲/۳۰).

آیت‌الله خامنه‌ای با استناد به آیات نصرت الهی (حج: ۴۰)، بر این نکته تأکید دارند که مقاومت این شهیدان ریشه در باور به وعده الهی پیروزی حق دارد. ایشان با تحلیل پدیده عجیب تقویت جبهه مقاومت در برابر فشارها، خاطر نشان می‌کنند که برخلاف معادلات مادی، هرچه استکبار بر فشارها بیفزاید، انگیزه مقاومت قوی‌تر می‌شود (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۲/۹/۲۱). این تحلیل‌ها نشان می‌دهد که از منظر ایشان، وجه مشترک سه شهید در «تبدیل مقاومت از شعار به گفتمان عملیاتی» در عرصه‌های مختلف (نظامی، منطقه‌ای و اقتصادی) بود. ایشان با اشاره به «وحشت استکبار از تکثیر الگوهایی مانند سلیمانی» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۰/۱۰/۱۱)، بر این نکته تأکید دارند که این شهیدان توانستند مقاومت را از سطح فردی به مکتبی فراگیر ارتقا دهند.

جدول ۳: مقایسه میدان‌های مقاومت شهید رئیسی، شهید سلیمانی و شهید نصرالله

مقایسه میدان‌های مقاومت			
شاخص	شهید نصرالله	شهید سلیمانی	شهید رئیسی
عرصه	نظامی-سیاسی	نظامی-منطقه‌ای	اقتصادی-اجرایی
روش	پایه‌گذاری تشکیلات	احیای جبهه‌ها	مقاومت عملی
تأثیر	اساس مقاومت	نرم‌افزار مبارزه	صراحت مرزبندی

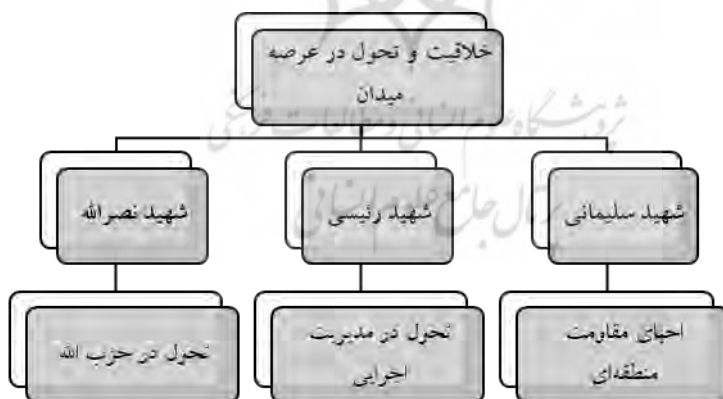
۳-۳-۸- خلاقیت و تحول در عرصه مدیریت میدان

شهیدان نصرالله، سلیمانی و رئیسی با وجود تفاوت در عرصه‌های فعالیت، الگوهای بی‌بدیلی در به‌کارگیری خلاقیت و ایجاد تحول در مدیریت میدانی بودند. بررسی بیانات آیت‌الله خامنه‌ای نشان می‌دهد که این سه شهید با رویکردی نوآورانه و مبتنی بر اصول مکتب مقاومت، تحولات ماندگاری در عرصه‌های نظامی، سیاسی و اجرایی ایجاد کردند. شهید نصرالله با تدبیر و خلاقیت منحصربه‌فرد خود، حزب‌الله لبنان را به تشکیلاتی کارآمد تبدیل کرد که «دشمن مجّهز به انواع سلاح‌های مادی و بیانی و تبلیغی و رسانه‌ای نتوانسته بر آن فائق بیاید» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۳/۸/۱۷). لذا او با ترکیب شجاعت، درایت و توکل، مرحله‌به‌مرحله این تشکیلات را رشد داد و آن را به «شجره طیبه‌ای» تبدیل کرد که آثار وجودی خود را در مقاطع مختلف به نمایش گذاشت (بیانات: ۱۴۰۳/۷/۱۳).

در میدان نظامی و منطقه‌ای نیز، شهید سلیمانی با خلاقیت و نوآوری، راهبردهای جدیدی در تقویت جبهه مقاومت ارائه داد، لذا کار اصلی او تنها مقابله با داعش نبود، بلکه «احیای مادی و معنوی مقاومت» در منطقه بود (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۸/۱۰/۱۳) که با تزریق روحیه جدید به نیروهای مقاومت و تجهیز آنان از نظر مادی و معنوی، تحولی اساسی در معادلات منطقه ایجاد کرد. این تحول چنان بود که به گواهی تاریخ، وضعیت فعلی فلسطین با گذشته آن که مبارزان تنها با سنگ می‌جنگیدند، قابل مقایسه نیست. در عرصه اجرایی نیز، شهید رئیسی با نگاهی تحول‌گرایانه به مدیریت قوه مجریه پرداخت. همچنان که آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار با هیئت دولت سیزدهم بر ایجاد تحول در قوه مجریه به‌عنوان یکی از اولویت‌های دولت شهید رئیسی تأکید کردند (خامنه‌ای، بیانات:

۱۴۰۰/۶/۶). از سوی دیگر، راه‌اندازی چند هزار کارگاه راكد مانده و ازکارافتاده که مدت‌ها انجام نشده بود؛ توسط شهید رئیسی در شهرهای مختلف انجام شد (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۴/۲/۳۰). این تحول‌خواهی که ریشه در نگاه جهادی و انقلابی ایشان داشت، نمونه‌ای بارز از خلاقیت در مدیریت اجرایی بود.

آیت‌الله خامنه‌ای به نقش تحول‌آفرین این شهیدان اشاره کرده‌اند که اگر بزرگانی مثل شهید نصرالله پیدا نمی‌شدند که جهاد و عقل و شجاعت و فداکاری و ازخودگذشتگی را با هم مخلوط کنند و به میدان بیاورند، حرکت یک‌جور بود، حالا که پیدا شدند، حرکت یک نوع دیگر است (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۳/۸/۸). این بیان، گویای تأثیر بی‌بدیل خلاقیت و تحول‌آفرینی این شهیدان در معادلات منطقه‌ای و داخلی است. اشتراک این سه شهید در به‌کارگیری خلاقیت و ایجاد تحول، ریشه در مبانی فکری مشترکی داشت که آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان چارچوب نظری به آن اشاره کرده‌اند: ترکیب «ایمان و عقلانیت»، «صبوری و قاطعیت» و «تکیه بر توان داخلی» که در سیره عملی هر سه شهید به‌وضوح قابل مشاهده است. این نگاه تحول‌گرا که با حفظ اصول مکتب مقاومت همراه بود، الگویی بی‌نظیر برای مدیران و مجاهدان در عرصه‌های مختلف به شمار می‌رود.



شکل ۳: خلاقیت و تحول در عرصه میدان شهید رئیسی، شهید سلیمانی و شهید نصرالله

۳-۳-۹- وجود وحدت آفرین

یکی دیگر از وجوه اشتراک برجسته شهیدان نصرالله، سلیمانی و رئیسی، نقش آنان در ایجاد و تقویت وحدت در سطوح مختلف اجتماعی، سیاسی و بین‌المللی بود. این ویژگی ریشه در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای دارد که همواره بر وحدت به‌عنوان یکی از ارکان تمدن اسلامی تأکید کرده‌اند.

شهید سلیمانی به‌عنوان نماد وحدت‌آفرینی در سطح ملی و فراملی شناخته می‌شد. تشییع پیکر مطهر وی که با حضور میلیونی مردم همراه بود، تجلی‌بخش همبستگی بی‌نظیر جامعه ایران در پاسداری از ارزش‌های انقلاب اسلامی بود. آیت‌الله خامنه‌ای در تحلیل این پدیده تصریح می‌کنند که این وحدتی که در زیر تابوت پیکر مطهر شهید سلیمانی و شهدای همراه ایشان در بین مردم دیده شد باید محفوظ بشود... جهت‌گیری مردم باید این جهت‌گیری باشد: جهت‌گیری انقلاب، جهت‌گیری تکریم از مردان انقلاب، جهت‌گیری تکریم شهیدان و تکریم هر چیزی که یادآور ارزش‌های انقلاب است (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۸/۱۰/۱۸). این بیان نشان می‌دهد که شهید سلیمانی نه‌تنها به‌عنوان یک فرمانده نظامی، بلکه به‌عنوان نماد همبستگی ملی عمل کرد و توانست مرزهای قومی، مذهبی و سیاسی را درنوردد.

در عرصه مدیریت اجرایی، شهید رئیسی نیز با رویکرد وحدت‌گرایانه خود، به ایجاد هماهنگی بین قوای سه‌گانه نظام پرداخت، لذا توفیق دیگر دولت سیزدهم، ایجاد همدلی بین قوا و زدودن رقابت‌های منفی از روابط بین‌قواست (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۱/۶/۸). این نگرش، نشان‌دهنده باور شهید رئیسی به‌ضرورت وحدت درونی نظام برای پیشبرد اهداف انقلاب بود.

شهید نصرالله نیز به‌عنوان پرچم‌دار وحدت در سطح منطقه‌ای عمل کرد. آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به نقش ایشان در ایجاد اتحاد بین گروه‌های مقاومت در لبنان، تأکید می‌کنند آنچه زمینه‌ساز پیروزی‌های بزرگی (مانند جنگ سی و سه‌روزه) شد، اتحاد و همدلی برادران حزب‌الله و امل بود و باید این وحدت و یگانگی مستحکم‌تر از گذشته ادامه یابد (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۵/۸/۲۳)؛ همچنین، ایشان در جای دیگری با اشاره به

روابط عمیق ایران و لبنان، شهید نصرالله را نماد این پیوند می‌دانند: «نسبت خودمان با برادران لبنانی و جناب آقای سید حسن نصرالله را نسبت خویشاوندی و برادری می‌دانیم» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۳/۳/۲). تحلیل بیانات آیت‌الله خامنه‌ای نشان می‌دهد که این سه شهید، علی‌رغم تفاوت در حوزه‌های فعالیت، در «تبدیل وحدت از شعار به گفتمان عملیاتی» اشتراک داشتند. از منظر ایشان، وحدت‌آفرینی این شخصیت‌ها ریشه در مبانی فکری مشترکی داشت که بر محوریت اسلام ناب محمدی (ص) و انقلاب اسلامی استوار بود. این نگرش، الگویی برای تداوم مسیر مقاومت و پیشرفت در جهان اسلام ارائه می‌دهد.

۳-۱۰- ولایت مداری و پایبندی به آرمان‌ها

ولایت مداری و پایبندی به آرمان‌های انقلاب اسلامی از وجوه بارز شخصیت شهیدان بود که در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای به صورت ویژه مورد تأکید قرار گرفته است. ایشان، به‌رغم تفاوت در حوزه‌های فعالیت، در وفاداری به مکتب امام خمینی (ره) و تبعیت از آیت‌الله خامنه‌ای، اشتراکی بنیادین داشتند.

آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به نقش محوری دفاع مقدس در شکل‌گیری شخصیت شهید سلیمانی، خاطر نشان می‌کند که شهید سلیمانی نمونه برجسته‌ای از تربیت‌شدگان اسلام و مکتب امام خمینی (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۸/۱۰/۱۳) و محصول «مدل‌سازی جدید حضور مردمی» در آن دوران بود؛ مدلی که به ظهور استعدادهایی همچون او منجر شد (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۹/۶/۳۱). این شهید بزرگوار نه تنها در عرصه نظامی و پیشانی جبهه مبارزه با استکبار (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۸/۱۰/۱۳)، بلکه تجسم عینی آرمان‌های انقلاب در سطح جهانی بود. در عرصه مدیریت اجرایی نیز، شهید رئیسی به‌عنوان مظهر شعارهای انقلاب شناخته می‌شد. آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر این ویژگی، تصریح می‌کنند که او صریحاً شعارهای انقلاب را می‌داد، لذا مردم وقتی از او تمجید می‌کنند، در واقع دلستگی خودشان به شعارهای انقلاب را نشان می‌دهند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۳/۳/۱۴). ایشان در جای دیگری با اشاره به شاخص‌هایی چون عدالت‌طلبی، استکبارستیزی و حمایت از

مستضعفان، برجسته‌تر شدن این آرمان‌ها در دوران مسئولیت شهید رئیسی را نشانه‌ای از توفیق او در تحقق گفتمان انقلاب می‌دانند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۱/۶/۸).

همچنین وفاداری شهید نصرالله به «وحدت اسلامی» و «مبارزه با استکبار»، نمونه بارز پایبندی به ارزش‌های الهی بود. عبارت «جهت‌بخشی به دیگر مراکز مقاومت» و «ضربات کوبنده بر رژیم صهیونیستی» نشان می‌دهد که او همواره «وفادار به آرمان‌های امت اسلامی» و رهبری آن عمل می‌کرد. این وفاداری در «پیوند مقاومت لبنان با کل جبهه اسلام» مشهود است (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۳/۷/۷).

تحلیل بیانات آیت‌الله خامنه‌ای نشان می‌دهد که این شهیدان، در عین عمل‌گرایی، همواره آرمان‌های انقلاب را به‌عنوان چراغ راه خود قرار می‌دادند. شهید سلیمانی با تبدیل شدن به نماد مقاومت بین‌المللی و شهید رئیسی با تجسم بخشیدن به شعارهای انقلاب در عرصه اجرایی و شهید نصرالله وفاداری به آرمان‌ها و ارزش‌های امت اسلامی، الگوهایی بی‌بدیل از تلفیق عمل و آرمان ارائه کردند. این ویژگی، ریشه در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای دارد که بر ضرورت حفظ اصالت‌های انقلابی در کنار کارآمدی عملی تأکید می‌ورزد. نکته قابل تأمل، تأکید بر تداوم راه این شهیدان است. ایشان در پیام تسلیت شهادت سردار سلیمانی با عبارت «با رفتن او به حول و قوه الهی کار او و راه او متوقف و بسته نخواهد شد» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۸/۱۰/۱۳)، بر جاودانگی مکتب این شهیدان صحنه گذاشته‌اند. این نگاه، ولایت‌مداری و آرمان‌خواهی را از سطح رفتار فردی فراتر برده و آن را به مکتبی پایدار و قابل انتقال به نسل‌های آینده تبدیل می‌کند.

۳-۳-۱۱- عزت‌آفرینی

شهید سلیمانی به‌عنوان نماد عزت‌آفرینی در منظومه فکری انقلاب اسلامی، تجسم عینی ارزش‌های فرهنگی، معنوی و انقلابی بود که ملت ایران هویت خود را در آن بازمی‌یافت. آیت‌الله خامنه‌ای، شهید سلیمانی را قهرمان ملت ایران معرفی می‌کنند، چرا که او تبلور ارزش‌های فرهنگی ایرانی و اسلامی بود و روحیه‌ای سرشار از فداکاری، نوع‌دوستی، معنویت عمیق و اخلاص داشت و این ویژگی‌ها را در عرصه‌های مختلف، از بیابان‌های منطقه تا میدان‌های نبرد، به نمایش گذاشت (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۹/۹/۲۶). شهادت او

نه تنها چشم‌های غبارگرفته را گشود، بلکه موجب خضوع دشمنان در برابر عظمت ملت ایران شد. آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به واکنش گسترده مردم به شهادت سلیمانی، این پدیده را نشانه‌ای از عزت الهی دانسته‌اند: «اینکه مردم از راه‌های دور، گاهی از کشورهای دیگر، سر سالگرد شهادت سلیمانی راه می‌افتند... این عزت است» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۳/۱۰/۱۲). این عزت، ریشه در اخلاص و عمل خالصانه برای خدا داشت، چنان‌که قرآن کریم فرموده است: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا؛ کسی که خواهان عزت است باید از خدا بخواهد چرا که تمام عزت برای خداست» (فاطر: ۱۰).

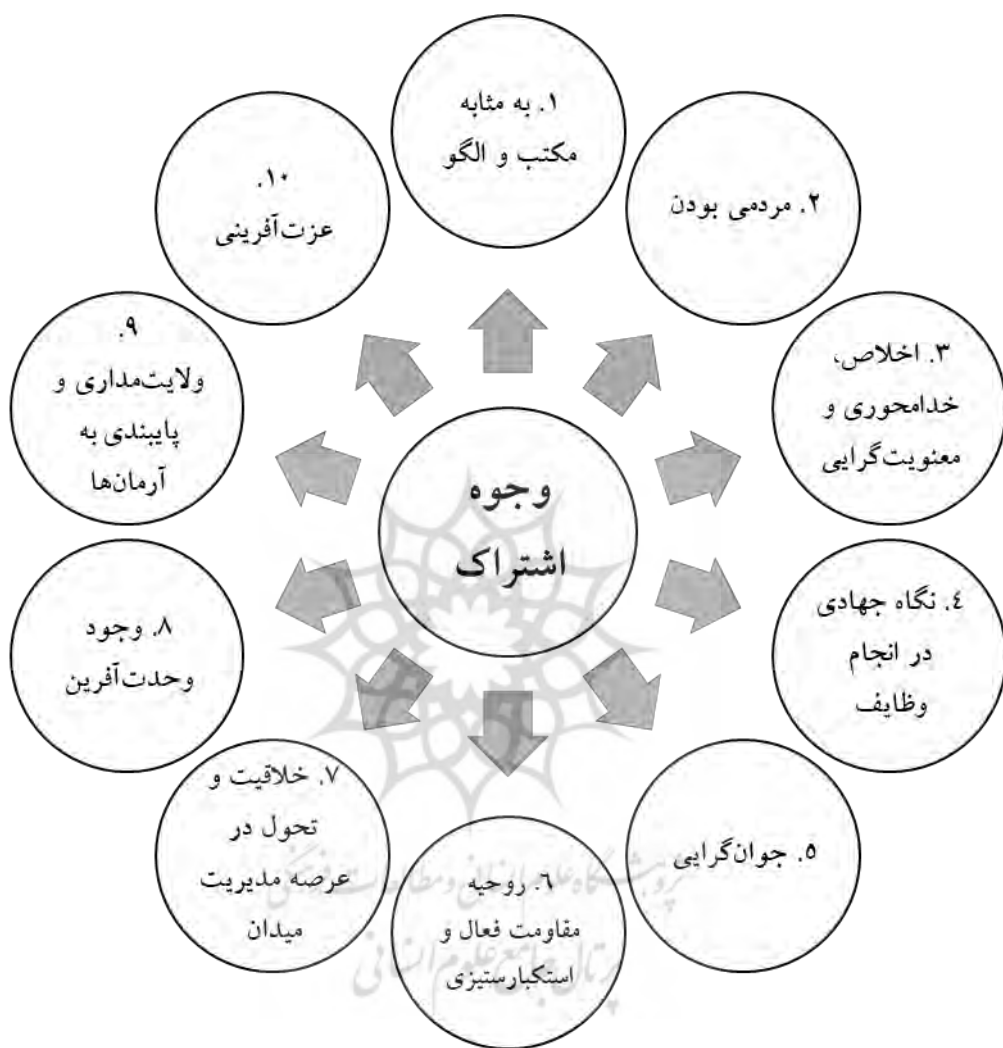
شهید رئیسی نیز در عرصه مدیریت اجرایی و سیاست خارجی، الگویی از عزت‌مداری را ارائه داد. او همه توانش برای اعتلا و ارتقاء آبرو و عزت ملی بود. این که رئیس‌جمهور در مجمع عمومی سازمان ملل، قرآن را بلند کند یا عکس شهید سلیمانی را سر دست بگیرد، این برای یک ملت مایه عزت است (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۴/۲/۳۰). آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به ترکیب تعامل و عزت در رویکرد او، خاطر نشان می‌کند که او با رهبران جهانی از موضع عزت تعامل می‌نمود، بدون آنکه به سازش یا تندروری متهم شود (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۳/۴/۱۷). این نگاه، برگرفته از آموزه‌های قرآنی و سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام بود که عزت را در گرو اتصال به قدرت الهی می‌دانستند. شهید رئیسی با تکیه بر این مبانی، توانست در عین تعامل با دنیا، از مواضع انقلابی و عزتمندانه نظام اسلامی دفاع کند.

شهید نصرالله نیز به‌عنوان پرچم‌دار مقاومت در لبنان، عزت را در گفتمان مبارزه با صهیونیسم جهانی نهادینه کرد. آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به نقش بی‌بدیل شهید نصرالله در تقویت جبهه مقاومت، تأکید می‌کنند که او و دیگر شهدای مقاومت «به اسلام عزت دادند و به جبهه مقاومت توانایی و قدرت مضاعف بخشیدند» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۳/۸/۱۷). این تأثیرگذاری، ناشی از نگاه مکتبی به مقاومت بود که شهید نصرالله آن را در عمل پیاده کرد. تحلیل بیانات آیت‌الله خامنه‌ای نشان می‌دهد که وجه اشتراک این سه شهید در عزت‌آفرینی، ریشه در چند اصل کلیدی داشت:

۱. اخلاص و عمل خالصانه برای خدا که به تعبیر ایشان، عامل اصلی جلب عزت الهی است.
 ۲. پایبندی به ارزش‌های انقلابی مانند استکبارستیزی و عدالت‌خواهی که هویت مکتب مقاومت را شکل می‌دهد.
 ۳. ترکیب تعامل و عزت‌مداری در عرصه‌های مختلف، اعم از نظامی، سیاسی و اجرایی.
 ۴. تکیه بر قدرت مردمی و اعتماد به ظرفیت‌های درونی امت اسلامی.
- این اصول، نه تنها در سیره فردی این شهیدان، بلکه در تأثیرگذاری آنان بر جامعه اسلامی نیز مشهود بود. به‌عنوان مثال، حضور هزاران نفر از مردم از نقاط مختلف جهان در مزار شهید سلیمانی، یا استقبال گسترده از شیوه مدیریتی شهید رئیسی، نشان‌دهنده عینیت یافتن مفهوم عزت در مکتب این شهیدان بود. آیت‌الله خامنه‌ای با استناد به آیات قرآن کریم، این پدیده را نتیجه طبیعی اخلاص و مقاومت می‌داند: «وقتی برای خدا کار می‌کنید، خدا هم این‌جور جواب می‌دهد» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۳/۱۰/۱۲). در مجموع، می‌توان گفت که عزت‌آفرینی این شهیدان، الگویی کاربردی برای مدیران و مبارزان جهان اسلام ارائه می‌دهد؛ الگویی که عزت را نه در وابستگی به قدرت‌های مادی، بلکه در اتصال به منبع لایزال الهی و پایبندی به ارزش‌های مکتبی جستجو می‌کند.

جدول ۴: عزت‌آفرینی در عرصه‌های مختلف شهید رئیسی، شهید سلیمانی و شهید نصرالله

عزت‌آفرینی در عرصه‌های مختلف			
اصول عزت‌آفرین	شهید نصرالله	شهید سلیمانی	شهید رئیسی
۱. مقاومت	مقاومت در لبنان	مقابله با داعش	تحریم‌شکنی اقتصادی
۲. تعامل سازنده	دیپلماسی منطقه‌ای	همکاری با نیروهای مردمی	مذاکرات بین‌المللی باعزت
۳. مردمی‌بودن	پیوند با مردم لبنان	حضور در مناطق محروم	سفرهای استانی



شکل ۴: وجوه اشتراک شهید رئیسی، شهید سلیمانی و شهید نصرالله

نتیجه گیری

واکاوی وجوه اشتراک مکتب فکری و عملی شهیدان قاسم سلیمانی، سید ابراهیم رئیسی و سید حسن نصرالله در چارچوب منظومه فکری آیت الله خامنه‌ای، نشان می‌دهد که این سه شهید، علی‌رغم تفاوت در حوزه‌های فعالیت (نظامی، سیاسی و اجرایی)، در اصولی بنیادین مشترک بودند که ریشه در گفتمان انقلاب اسلامی دارد. مهم‌ترین این اشتراکات عبارت‌اند از: ۱. ولایت‌مداری و پایبندی به آرمان‌های انقلاب که در تبعیت از ولایت و تحقق شعارهای اسلامی تجلی یافت؛ ۲. اخلاص و خدامحوری به‌عنوان محور اقدامات فردی و اجتماعی که موجب تأثیرگذاری عمیق آنان شد؛ ۳. روحیه مقاومت فعال و استکبارستیزی که در عرصه‌های مختلف به‌صورت عملیاتی نمود پیدا کرد؛ ۴. مردمی‌بودن و عدالت‌خواهی که پیوند ناگسستنی آنان با توده‌ها را تقویت نمود؛ ۵. خلاقیت و تحول‌گرایی در مدیریت میدان، اعم از نظامی، اجرایی و سیاسی.

این وجوه مشترک، نه تنها این شهیدان را به الگوهایی بی‌بدیل تبدیل کرده، بلکه مکتبی واحد را شکل می‌دهد که قابلیت الگوسازی برای نسل‌های آینده دارد. یافته‌های مذکور از دو منظر حائز اهمیت است:

اول. ساحت نظری: تبیین پیوند ناگسستنی بین سیره عملی شهیدان و اندیشه‌های آیت الله خامنه‌ای که می‌تواند به‌عنوان چارچوبی برای پژوهش‌های آینده در حوزه مکتب مقاومت و مدیریت جهادی مورد استفاده قرار گیرد.

دوم. ساحت عملی: ارائه الگویی کاربردی برای مدیران، مبارزان و فعالان عرصه‌های مختلف که ترکیبی از معنویت، مردمی‌بودن، خلاقیت و مقاومت را در عمل پیاده می‌کنند. این الگو می‌تواند در تقویت گفتمان انقلاب اسلامی در سطح ملی و بین‌المللی مؤثر باشد. این بخش باید مرتبط با مسئله و فرضیه‌ها یا سؤال‌های پژوهشی ارائه‌شده در مقدمه و بر پایه اطلاعات بیان‌شده در بخش بدنه اصلی پژوهش باشد.

پیشنهادات

۱. پژوهشی: انجام مطالعات تطبیقی میان سیره این شهیدان و دیگر شخصیت‌های تراز انقلاب اسلامی به منظور کشف الگوهای مشترک و بررسی تأثیر مکتب این شهیدان بر تقویت گفتمان مقاومت در جوامع اسلامی.
۲. آموزشی: گنجاندن مبانی مکتب فکری و عملی این شهیدان در سرفصل‌های درسی دانشگاه‌ها و مراکز حوزوی و طراحی دوره‌های مهارت‌محور با محوریت مدیریت جهادی و مقاومت بر اساس سیره این شهیدان.
۳. رسانه‌ای: تولید محتواهای مستند و داستانی برای ترویج سبک زندگی و مدیریت این شهیدان در میان نسل جوان و ایجاد پلتفرم‌های دیجیتال جهت انتشار بیانات آیت‌الله خامنه‌ای درباره این شهیدان و تحلیل آن‌ها.
۴. اجرایی: الگوبرداری از شیوه‌های مدیریتی در نهادهای اجرایی و تقویت روحیه مقاومت و استکبارستیزی در دیپلماسی عمومی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع:

- قرآن کریم، ترجمه آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی.
- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.
- اصغری، ملیحه (۱۴۰۱). تبیین الگوی مدیریتی شهید سلیمانی در جبهه مقاومت (یک مطالعه سنتزپژوهی)، فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی. دوره ۱۱(۳)، ۱۵۳-۱۷۶.
- بهادری جهرمی، علی و کدخدا مرادی، کمال (۱۴۰۴). روایت رئیسی: تأملی در اندیشه‌های حکمرانی شهید رئیسی. قم، واژه‌پرداز اندیشه.
- بهادری جهرمی، علی و کدخدامرادی، کمال (۱۴۰۳). شهید جمهور؛ شهید رئیسی در نگاه آیت‌الله خامنه‌ای. تهران، نشر جمهور ایران.
- حکیمی، محمد و افتخاری، اصغر (۱۴۰۱). مؤلفه‌های مفهومی مقاومت در اندیشه مقام معظم رهبری. دوره ۱۱(۲)، ۱۰۳-۱۳۷.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۸). اندیشه مقاومت از منظر حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای. تهران، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۴۰۲). اسلام ناب و اسلام آمریکایی (ره‌نامه ۲۲). تهران، انقلاب اسلامی.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۸-۱۴۰۴). بیانات از سال‌های ۱۳۶۸ الی ۱۴۰۴.
- دانشمندی، زهره و هدایتی، فریفته (۱۳۹۹). مکتب سردار سلیمانی در نگاه شخصیت‌های برجسته جبهه مقاومت (ایران، لبنان، یمن، فلسطین، سوریه و عراق). فصلنامه مطالعات دینی رسانه. دوره ۲(۵-۶)، ۴۷-۹۰.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۹۰). لغت‌نامه: فرهنگ متوسط دهخدا. تهران، دانشگاه تهران.
- راجی، سید محمدحسین (۱۴۰۴). رئیس‌جمهور تراز انقلاب اسلامی. مشهد، سعادت.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۳). مفردات الفاظ القرآن. قم، نشر کتاب.
- زاهدی تیر، اصغر و امین ناجی، محمدهادی (۱۳۹۸). بررسی مفهوم مقاومت با رویکرد اجتماعی در آیات قرآن. نشریه علمی مطالعات تفسیری. دوره ۱۰(۳۸)، ۲۲۱-۲۳۶.
- سیاهپوش، امیر (۱۴۰۱). انقلاب اسلامی در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای (دام‌ظله). قم، نشر معارف.

- صالح اصفهانی، اصغر و همکاران (۱۳۹۹). الگوی جبهه مقاومت از دیدگاه امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی). مطالعات دفاعی استراتژیک. دوره ۱۸(۸۲)، ۸۱-۹۸.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۰). میزان فی تفسیر القرآن. قم، جامعه مدرسین.
- عطاران طوسی، علی‌اصغر (۱۴۰۳). زندگی به سبک شهید نصرالله. مشهد، آرمان‌شهر زندگی.
- قاسمی، بهزاد (۱۳۹۹). الگوی مقاومت اسلامی؛ مطالعه بیانات مقام معظم رهبری. دو فصلنامه پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی. دوره ۱۰(۲۱)، ۱۷۱-۲۰۲.
- گندمی، امید و سواری، سعید (۱۴۰۳). مؤلفه‌های مدیر تراز آینده انقلاب اسلامی بر اساس سیره مدیریتی شهید رئیسی در منظومه بیانات مقام معظم رهبری. مجله آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی. دوره ۵(۳)، ۱۱-۳۷.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی. تهران، صدرا.
- معاونت سیاسی نمایندگی ولی‌فقیه در سازمان بسیج مستضعفین (۱۴۰۴). رئیس‌جمهور تراز انقلاب اسلامی: مروری بر ویژگی‌های شخصیتی و مدیریتی آیت‌الله رئیسی (برگرفته از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی). قم، تمهید دانش.
- معین، محمد (۱۳۸۲). فرهنگ معین. تهران، زرین.
- مهدی‌پور، آسیه (۱۳۹۸). تبیین مدل مفهومی مقاومت در اندیشه آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای. دو فصلنامه علمی دانش سیاسی. دوره ۱۵(۲)، ۵۳۹-۵۶۶.
- نجاران طوسی، حامد (۱۳۹۹). مفهوم «مکتب» در منظومه فکری امام خامنه‌ای (دام‌ظله). سلسله همایش‌های بین‌المللی گام دوم انقلاب اسلامی. ۲(مقالات برگزیده دومین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب) ۱-۲۱.
- نوروزی، محمدجواد (۱۳۹۲). انقلاب اسلامی ایران، انقلاب بازگشت به سوی خدا، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- یوسفیان، نعمت‌الله و باقری چوکانی، سیامک (۱۴۰۲). سیره مدیریتی و رفتاری شهید حاج قاسم سلیمانی. تهران، نشر زمزم هدایت.
- Bandura, A. (1977). *Social Learning Theory*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.

- Drucker, P. F. (1993). Management: Tasks, Responsibilities, Practices. New York: HarperCollins.
- Giddens, A. (2001). Sociology. Cambridge: Polity Press.
- Huntington, S. P. (1968). Political Order in Changing Societies. New Haven: Yale University Press.
- Kuhn, T. S. (1985). The Structure of Scientific Revolutions. Chicago: University of Chicago Press.
- Skocpol, T. (1979). States and Social Revolutions. Cambridge: Cambridge University Press.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی